

باز خوانی مبانی اندیشه اجتماعی آیت‌الله بهشتی به بهانه سی‌وهشتمین سالگرد شهادتش

قدم به قدم به سوی اسلام اجتماعی - تشکیلاتی



صادق فرامرزی: اگر بنا بر تعریفی قیاسی از شهید آیت‌الله بهشتی باشد، قطعا برجسته ترین ویژگی آن شهید در قیاس با باقی انقلابیون شناخته شده، «جامعیت» است. بی هیچ اغراقی می توان دکتر بهشتی را به عنوان یکی از جامع ترین شخصیت های تاریخ معاصر ایران مورد مطالعه قرار داد. تسلط به مسائل فقهی، آشنایی با مسائل روز، تسلط بر چند زبان بین المللی، توانایی ارتباط گیری توأمان با توده و نخبگان، توانایی کادر سازی و فعالیت تشکیلاتی، طرح صورت مساله های جدید و ده ها موضوع دیگر را می توان برشمرد که در هر کدام از آنها شخصیت های شناخته شده زیادی به چشم آید اما کمترین موردی را می توان یافت که مرکز تجمع تمام این خصایص درون یک شخصیت سیاسی بوده باشد. بر مبنای همین «جامعیت»، مباحث و سخنرانی های طرح شده توسط شهید بهشتی را می توان در طیف های مختلفی از موضوعات تعریف کرد که از مباحث نظری صرف تا رویکردهای عملیاتی، از دغدغه های سنتی تا موضوعات جدید، از زیست فردی تا حیات اجتماعی و... را شامل می شود. به همین علت گزیده جویی در انتخاب مباحث برای باز خوانی اندیشه اجتماعی شهید بهشتی را می توان امری اجتناب ناپذیر دانست که گزینی از آن وجود ندارد. پرونده پیش رو باز خوانی نظرات آن شهید پیرامون آزادی سیاسی، اقتصاد تعاونی، تشکیلات اسلامی و مقوله تفریح است که سعی بر آن بوده به شکلی مختصر ریشه ای ترین مفاهیم مورد نظر آن شهید بیان شود.

آزادی سیاسی: مهاري بر قدرت، قدرتي براي مهار

شاید میزگرد میان آیت‌الله بهشتی، حبیب‌الله پیمان، مهدی فتاوی و نورالدین کیانوری را بتوان خاطر انگیزترین بخش از زندگی سیاسی شهید بهشتی دانست. نقل‌های گزیده از آن میزگردها بارها تا سالیان متوالی پخش شد اما عمدتاً در سایه برخورد سلیقه‌های کمتر مورد پیش آمد که اختصاری از تبیین مفهوم آزادی توسط آن شهید مورد بازخوانی قرار بگیرد. متن زیر بخشی از میزگرد مذکور است که شهید بهشتی در آن به شکلی اختصاری مفهوم و ارزش آزادی را از جنبه دینی تعریف می کند و در عین به رسمیت شناختن آن، عدم محدودیتش را منجر به شکل گیری آثار شیمیسی فاسد تفسیر می کند:

«بار دیگر اصول زیربنایی اصل آزاد را در جهان بینی اسلامی و نظام عقیده و اسلام مطرح می کنم، من به طور خلاصه این اصول را می خوانم:

یک- انسان شدنی است، صورتی است، پویایی است، حرکتی است خوداگاه، محیط آگاه، خودساز، محیط ساز و انتخابگر، که بر اساس انتخاب آگاهانه و آزادانه اش هم خود را می سازد و هم در تغییر ساخت محیط طبیعی خود دخالت گسترده می کند و محیط اجتماعی خود را می سازد.

دو- محیط اجتماعی هم ساخته شده انسان است و هم در ساخت او نقش دارد. ولی در این ساختن متقابل، اصل انسان و خودسازی درونی اوست.

سه- بنابراین، انسان نه محکوم جبر طبیعی است، نه محکوم جبر اجتماعی و تاریخی، بلکه به هر حال در برابر محدودیت هایی که طبیعت یا نظام اجتماعی برایش به وجود می آورد قدرت حرکت مخالف دارد. به این ترتیب یکی از بزرگترین ویژگی های انسان این است که براسی آزاد است و انتخاب کننده، و این صرفاً یک حق نیست، بلکه یک واقعیت هم هست، که انسان هر چه بیشتر به آن بپردازد، گسترده تر و پیشرفته تر می شود.

چهار- در رابطه با انسان، یعنی فرد و جامعه هستی ما با تأکید بر نقش فرد به عنوان معتقد به نقش متقابل فرد و جامعه هستیم اما با تأکید بر نقش فرد به عنوان مبدأ، پیشترانی که حرکتها را آغاز می کنند و قدرت درک درد و رنج و آرمانها و زمینه های حرکت توده ها را دارند، می توانند آنها را به حرکت در آورند و با کمک آنها جریان های اجتماعی نویی را به وجود آورند که این جریانها روی بسیاری از افرادی که دیرتر آگاه می شوند و به حرکت در می آیند اثر می گذارند و آنها را با خود همراه می کنند این نقش فرد، نقش افراد پیشتر، اسبقون السابون، و نقش انهایی که توانستند با خودسازی، آگاهی خودشان را بیشتر و بالاتر ببرند، در ایجاد حرکتها و به حرکت در آوردن و آگاهتر کردن توده ها، از مسایل مهمی است که ما در فهم مسأله آزادی خیلی روی آن تکیه داریم. از این رو، در هدایت کلی یک جامعه به سوی فلاح، نمی شود به وضع محیط اجتماعی به کلی بی اعتنا بود و گفت هر فردی خود را بسازد تا جامعه ساخته شود. نه، این طور نیست. این شعار که هر فردی خود را بسازد تا جامعه ساخته شود، شعاری نیمه اسلامی است. تمام اسلامی نیست. هر فردی خود را بسازد و در ساختن محیط نیز نقش خود را ایفا کند تا جامعه ساخته شود، این شعار اسلامی است. به این ترتیب مسأله امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک مسأله بسیار مهم مطرح می شود.

پنج- اینجاست که آزادی افراد در زندگی اجتماعی محدود می شود. پرسیدید در نظام اجتماعی اسلامی آزادیها تا چه اندازه وجود دارد. می گویم، آزادی های اجتماعی خود به خود محدود می شود. دیگر از آزادی مطلق، یعنی آنرا شیمیسم و هر چه می توان در اسلام و نظام اسلامی سخن گفت. در نظام اسلامی آزادی های اجتماعی محدودی دارد و محدودیت هایی پیدا می کند. این محدودیتها چه هستند؟

شش- محدودیت های قانونی که در نظام اسلامی به وجود می آید ۲ ریشه دارند. ۱- اینکه آزادی یک فرد تا آنجا اعمال شود که به آزادی دیگران ضربه نزند. این قید در آنرا شیمیسم وجود ندارد، ولی در آزادی اسلامی وجود دارد. این قید حتی در آزادی لیبرالیستی هم وجود دارد لیبرالها هم همین را می گویند آنان می گویند ما معتقدیم آزادی فرد در یک جامعه لیبرال باید تا حدی باشد که به آزادی دیگران لطمه نزند، البته می گویند ولی عمل نمی کنند. عمل کردن بحث دیگری است؛ ولی در مقام گفتن و در مقام بینش می گویند ۲- آزادی هایی که محیط را فاسد و زمینها را برای رشد فساد در جامعه آماده می کند، این آزادیها هم در نظام اسلامی گرفته می شود. یعنی به انسانها اجازه داده نمی شود مطابق میل و هوا و هوا خودشان و هر جور دلشان می خواهد زندگی کنند. مثلاً بیایند در خیابان، یک ترانه بسیار جنش آور فاسدکننده ای را که انسانها را به سوی ابتذال تحریک می کند بخوانند. بگویند آقا ما این ترانه را در خیابان می گذاریم، می خواهیم گوش کنیم و بزینم و برقصیم؛ آزادی است نه! اینجا در نظام اجتماعی اسلامی گفته می شود در اعمال آزادی مشخص خود تا اینجا نمی توانید پیش بروید، اینجا برای تان مرز معین می کنند. چرا؟ برای اینکه این نوع آزادی زمینه اجتماعی را برای آسان تر شدن نفوذ فساد در انسانهای دیگر آماده می سازد و اسلام و نظام اسلامی باید در هدایت اجتماعی و اداره جامعه مواظب این انحراف باشد.

اقتصاد تعاونی: انسانی کردن روابط اقتصادی

اسلام به نقش اقتصاد اهمیت می دهد اما اقتصادی که زیربنای شخصیت انسان نشود خیلی متزلزل و نازل و فروافتاده و سقوط کرده است؛ انسانی که زیربنای شخصیتش روابط اقتصادی باشد اقتصاد مهم است ولی زیربنا نیست. زیربنای شخصیت انسان، ساخت معنوی، اخلاقی و روحی است که باید این ساختن بیاید به روابط اقتصادی اش شکل بدهد» از مهم ترین مباحث طرح شده در سخنرانی مذکور است. با این همه، آن سخنرانی را تنها می توان به عنوان مقدمه ای برای مباحث عملیاتی اقتصادی دانست که در جریان سخنرانی سی ام آذرماه ۵۹ در دانشگاه تهران طرح شد. بر همین مبنای آن سخنرانی را می توان از مهم ترین مواضع آن شهید در جریان پیاده سازی الگوهای مطلوب اجتماعی و اقتصادی در سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دانست. ایده «اقتصاد تعاونی» به عنوان مطلوب ترین راهکار در جهت افزایش بهره وری و رشد اقتصادی و کاهش نابرابری در توزیع درآمد و سرمایه به شکلی توأمان عنوان کلی سخنرانی مورد نظر بود. فارغ از عدم توفیق الگوهای تعاونی در دهه های بعدی و در اولویت قرار نرفتن آن، باز هم می توان ایده مورد نظر شهید بهشتی را از لازم ترین ایده های موجود برای اصلاح سیستم اقتصادی کشور دانست. «جانشین کردن همکاری با رقابت»، «کاستن از واسطه های غیر ضرور بین تولید کننده و مصرف کننده»، «داده شدن رای به انسانها به جای سهام»، «انحصار سهم تنها به کسانی که در واحد تولیدی کار می کنند»، «جلب گیری از استثمار نیروی کار به وسیله صاحبان سرمایه» و... از عمده ترین مباحث طرح شده در سیستم مورد نظر آیت‌الله بهشتی بوده است. مباحثی که به طور اختصاری دال بر اصل دادن به کار به جای سرمایه برای کسب سود بوده است. در بخشی از آن سخنرانی نیز پیرامون مقوله مالکیت در این نگاه های تعاونی ایگونی توضیح داده می شود: «ولی در مالکیت

تشکیلات اسلامی: منضبط، مستقل و دینی

سازمان اسلامی واقعا همه جانبه باشد».

۲- برخورد محبت آمیز با دیگران

۳- دوری از خودخواهی و پذیرش انتقاد

۴- اهمیت انضباط تشکیلاتی

۵- تقویت روحیه افراد

۶- تقویت جسم و پرداختن به تفریحات سالم

۷- نظم در زندگی خصوصی

۸- اهمیت به کارهای تعاونی

دوستان! باید به نقش کارهای تعاونی به چند دلیل اهمیت بدهید. یکی به دلیل اینکه ما انسانها خوش مان می آید که به ما کمک کنند. کیست از کمک کردن دیگران خوشش می آید؟ همین طور که شما خوش تان می آید دیگران به شما کمک کنند، دیگران هم خیلی خوش شان می آید شما به آنها کمک کنید. بنابراین، این تعاونها، همبستگی روحی ما را زیاد می کند. این واقعیت است. وقتی در زندگی به درد هم بخوریم خود به خود برادری میان ما تقویت می شود. بعد از برشمردن راهکارهای رشد کیفی و محتوایی تشکیلات اسلامی، شهید بهشتی به تبیین «دگم» های تشکیلاتی پرداختند: «این دگمهایی که رفاقی می گویند» بنظر دگم نباشی! باید بگوییم سازمان و جامعه بی دگم معنا ندارد. مقداری دگم باید باشد. اگر قرار شود همه محتوای ایدئولوژیکی و فکری یک جامعه پلاستیکی و الاستیکی باشد، خوب این به کجا بند است؟ نقطه های مقاومتی حتماً لازم است که باشد و آنها همان دگمهاست، چندتا دگم در اسلام

است». منش فردی اعضا، آزادی انتقاد از رهبران، مسؤولیت پذیری طبقه آگاهتر و عدالت نیز مهم ترین این دگمها است. به رغم تفصیلی بودن مباحث شهید بهشتی پیرامون تشکیلات و کار تشکیلاتی، یکی از مهم ترین نکات مطرح شده در مباحث ایشان را می توان «تلاش برای استقلال مالی تشکیلات» دانست. «شما شاید غالباً این جمله عربی را شنیده اید که اگر خودش روایت نباشد بازگو کننده ای از تعالیم اسلام است: «هن لا معاش له لا معاد له». هر کس زندگی رویه راهی ندارد در خطر این است که آخر عاقبت و آخرت رویه راهی هم نداشته باشد. این معنایش این است که وضع زندگی و عوامل مربوط به زندگی حتی در جنبه های روحی و معنوی انسان می تواند موثر واقع شود. من صریحاً می گویم ما از این تجربه تاریخ ریشه دار پرسابقه ای که تاریخ بشریت نشان می دهد سابقه اند است و در عصر ما به صورت برجسته تر به چشم می خورد، و آن اینکه عامل اقتصادی در جهت گیری و جهت دادن به فعالیت های افراد و موسسات تاثیر بسزایی دارد به هیچ وجه نباید غفلت کنیم و الا خودمان را گول زدیم».

تفریح: واجبی ارادی و انسان ساز

آیه قرآن است: «فلیضحکوا قليلا وليبكوا كثيرا»... چند سالی گذشت. مطلب از خاطر من رفته بود. این مسأله اولین مطلبی بود که من به صورت مستقل بر اساس قرآن و کتاب و سنت مطالعه ای تحقیقی را دربارش شروع کرده بودم. به مناسبت آن مطلب بنا گذاشتم یک بار قرآن را از اول تا آخر با دقت و به صورت کتابی که می خواهم برای من کتابی علمی باشد، بررسی کنم. این بار که بنا داشتم به خاطر بررسی یک مسأله اسلامی قرآن را از اول تا آخر با دقت مطالعه کنم، به این آیه رسیدیم دیدم عجب! این آیه در قرآن هست، صحیح است، اما مطلب درست در نقطه مقابل آن مطلبی است که آن آقا از آن فهمیده بود. مطلب این است که پیغمبر دستور صادر کرده بود تمام نیروهای قابل، برای شرکت در مبارزه علیه کفار و مشرکینی که به سرزمین اسلامی هجوم آورده بودند بسیج شوند. برای یک بسیج عمومی فرمان صادر کرده بودند. عدهای با بهانه های مختلف از شرکت در این لشکر کشی خودداری و از فرمان بسیج خدا و پیغمبر تخلف کرده بودند. حالا این آیه قرآن می گوید، لعنت خدا باد بر این کسانی که دیدند پیغمبر با انبوه مسلمانها به میدان نبرد می رود، اما باز هم زندگی دوستی، آنها را وادار کرد از فرمان خدا و رسول تخلف کنند و بمانند. لعنت خدا بر آنها باد! محروم باد این گروه از رحمت حق! به دنبال آن و به عنوان یک نفرین می گوید: از این پس این گروه نافرمان کم بختند و زیاد بگیرد. این

را به عنوان یک کفر و نفرین بر این گروه نافرمان می گوید. حالا شما از این قید حتی در آزادی لیبرالیستی هم وجود دارد لیبرالها هم همین را می گویند آنان می گویند ما معتقدیم آزادی فرد در یک جامعه لیبرال باید تا حدی باشد که به آزادی دیگران لطمه نزند، البته می گویند ولی عمل نمی کنند. عمل کردن بحث دیگری است؛ ولی در مقام گفتن و در مقام بینش می گویند ۲- آزادی هایی که محیط را فاسد و زمینها را برای رشد فساد در جامعه آماده می کند، این آزادیها هم در نظام اسلامی گرفته می شود. یعنی به انسانها اجازه داده نمی شود مطابق میل و هوا و هوا خودشان و هر جور دلشان می خواهد زندگی کنند. مثلاً بیایند در خیابان، یک ترانه بسیار جنش آور فاسدکننده ای را که انسانها را به سوی ابتذال تحریک می کند بخوانند. بگویند آقا ما این ترانه را در خیابان می گذاریم، می خواهیم گوش کنیم و بزینم و برقصیم؛ آزادی است نه! اینجا در نظام اجتماعی اسلامی گفته می شود در اعمال آزادی مشخص خود تا اینجا نمی توانید پیش بروید، اینجا برای تان مرز معین می کنند. چرا؟ برای اینکه این نوع آزادی زمینه اجتماعی را برای آسان تر شدن نفوذ فساد در انسانهای دیگر آماده می سازد و اسلام و نظام اسلامی باید در هدایت اجتماعی و اداره جامعه مواظب این انحراف باشد.

غلبه داشتن وجه سیاسی زندگی آیت‌الله بهشتی در جریان تاریخ نگاری های صورت گرفته باعث آن شده تا عمده نظرات این شهید در حیطه زیست فردی یک مسلمان کمتر مورد بازخوانی قرار گیرد. درسگفتار «موسیقی و تفریح در اسلام» از جمله این مباحث است. درسگفتاری که در جریان یکی از جلسات پرسش و پاسخ در مرکز اسلامی هامبورگ انجام شد پاسخی به ۲ پرسش در زمینه موسیقی و تفریح بود که متن زیر مختصری از سخنان شهید بهشتی پیرامون لزوم توجه به تفریح به به عنوان میلی طبیعی که به عنوان امری ارادی برای فرد مسلمان است: به استناد برخی روایات صوفیانه که نمی توانند هیچ ارتباط اصلی با قرآن کریم و با پیشوایان اسلام داشته باشند، قرن های متمادی تفریح کردن، نشاط در زندگی و داشتن امثال اینها را برای یک مسلمان ارزنده نقطه ضعف معرفی می کرده اند. راه دوری نرویم؛ یاد می آید حدود ۱۵-۱۴ ساله و در آغاز دوران بلوغ بودم و تحصیلات علوم اسلامی را هم تازه شروع کرده بودم، به حکم آن نشاط و شادایی که انسان در آن سن دارد، پیش یا بعد از مباحثه و پیش یا بعد از درس، دوستان می گفتند، می خندیدند، و می گفتیم و می خندیدیم. یکی از رفاقا با من هم مباحثه بود وقتی ما می خندیدیم ایشان می گفت فلانی، حالا که آغاز دوران تحصیل علوم اسلامی است بهتر است خودمان را عادت بدهیم که نخندیم، یا کمتر بخندیم. گفته چرا؟ گفت خوب،

شش- محدودیت های قانونی که در نظام اسلامی به وجود می آید ۲ ریشه دارند. ۱- اینکه آزادی یک فرد تا آنجا اعمال شود که به آزادی دیگران ضربه نزند. این قید در آنرا شیمیسم وجود ندارد، ولی در آزادی اسلامی وجود دارد. این قید حتی در آزادی لیبرالیستی هم وجود دارد لیبرالها هم همین را می گویند آنان می گویند ما معتقدیم آزادی فرد در یک جامعه لیبرال باید تا حدی باشد که به آزادی دیگران لطمه نزند، البته می گویند ولی عمل نمی کنند. عمل کردن بحث دیگری است؛ ولی در مقام گفتن و در مقام بینش می گویند ۲- آزادی هایی که محیط را فاسد و زمینها را برای رشد فساد در جامعه آماده می کند، این آزادیها هم در نظام اسلامی گرفته می شود. یعنی به انسانها اجازه داده نمی شود مطابق میل و هوا و هوا خودشان و هر جور دلشان می خواهد زندگی کنند. مثلاً بیایند در خیابان، یک ترانه بسیار جنش آور فاسدکننده ای را که انسانها را به سوی ابتذال تحریک می کند بخوانند. بگویند آقا ما این ترانه را در خیابان می گذاریم، می خواهیم گوش کنیم و بزینم و برقصیم؛ آزادی است نه! اینجا در نظام اجتماعی اسلامی گفته می شود در اعمال آزادی مشخص خود تا اینجا نمی توانید پیش بروید، اینجا برای تان مرز معین می کنند. چرا؟ برای اینکه این نوع آزادی زمینه اجتماعی را برای آسان تر شدن نفوذ فساد در انسانهای دیگر آماده می سازد و اسلام و نظام اسلامی باید در هدایت اجتماعی و اداره جامعه مواظب این انحراف باشد.